

گزینه‌های حماس: نهادسازی سیاسی در کنار رویارویی نظامی^۱

نویسندگان: کوبی میشل، عمر دوستری^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱۱/۲۰

ترجمه: شیرین حدادزند^۳

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۴/۱۵

چکیده

روند نهادسازی بازیگران غیردولتی در اداره یک منطقه و مردمش در توسعه توانایی آنها منعکس می‌شود. این توانایی نیازمند عمل‌گرایی سیاسی و مسئولیت‌پذیری و اعمال محدودیت در مواجهه با تدبیر سیاسی نظامی امور است. فرآیندی که حماس از زمان تصدی مدیریت نوار غزه در ژوئن ۲۰۰۷، تحت تاثیر آن قرار گرفته است، گرایش به عملیات نظامی یا تبدیل شدن به بازیگری سیاسی، موضوع جالب و چالش‌برانگیزی در خاورمیانه است. در نوشتار حاضر، حماس به‌عنوان مطالعه موردی مورد تحلیل قرار گرفته و بدین نکته پرداخته‌ایم که چگونه فرآیند نهادسازی توسط بازیگران غیردولتی (به این معنا که آنها تبدیل به یک عنصر از دولت می‌شوند) بر ادامه گرایش به گزینه‌های نظامی تاثیر می‌گذارد و آیا استفاده از خشونت بازدارنده این فرآیند خواهد بود؟ در این زمینه، مقاله حاضر ظرفیت‌های تاثیرگذاری اسراییل در بعضی از متغیرهای مرتبط را بررسی خواهد کرد.

واژگان کلیدی: سیاست خارجی، بازدارندگی، هویت‌سازی، مقاومت، ادغام اجتماعی، مهاجرت سرزمینی، نسل نو.

۱. برگرفته از مجله: Strategic Assessment, Volume 21, October 2018.

۲. پژوهشگر ارشد در موسسه مطالعات امنیت ملی اسراییل.

۳. روزنامه‌نگار و کارآموز در موسسه مطالعات امنیت ملی اسراییل.

روند نهادسازی بازیگران غیر دولتی در اداره یک منطقه و مردمش در توسعه توانایی آنها منعکس می‌شود. این توانایی نیازمند عمل‌گرایی سیاسی و مسئولیت‌پذیری و اعمال محدودیت در مواجهه با تدبیر سیاسی نظامی امور است. فرآیندی که حماس از زمان تصدی مدیریت نوار غزه در ژوئن ۲۰۰۷، تحت تاثیر آن قرار گرفته است گرایش به عملیات نظامی یا تبدیل شدن به بازیگری سیاسی موضوع جالب و چالش برانگیزی در خاورمیانه است. در این نوشتار، حماس به‌عنوان مطالعه موردی مورد تحلیل قرار گرفته و بدین نکته پرداخته‌ایم که چگونه فرآیند نهادسازی توسط بازیگران غیردولتی بر ادامه گرایش به گزینه‌های نظامی تاثیر می‌گذارد و آیا استفاده از خشونت بازدارنده این فرآیند خواهد بود؟ در این زمینه، مقاله حاضر ظرفیت‌های تاثیرگذاری اسرائیل در بعضی از متغیرهای مرتبط را بررسی خواهد کرد.

نهادسازی سیاسی: بوروکراسی سازمانی و توسعه منطقه‌ای

حماس برای نهادسازی سیاسی دو گزینه در پیش دارد: نخست، توسعه سازمان و ساختار بوروکراتیک به‌مثابه یک بازیگر غیردولتی و دوم توسعه به‌مثابه عنصری مستقل، حکمرانی بر سرزمین و جمعیت ساکن در آن. حماس به‌عنوان یک جنبش سیاسی که در سال ۱۹۷۸، تاسیس شد، در چالش با تشکیلات خودگردان فلسطین و درحالی‌که دولت خودگردان با فساد و بی‌اخلاقی آلوده شده بود شکل گرفت. ابتدا حماس مسیر حرکت پدران معنوی خود، اخوان‌المسلمین را با ساخت سریع مسجد و گسترش موعظه و شبکه خدمات اجتماعی ادامه داد؛ درحالی‌که زیرساخت‌های نظامی و فعالیت‌های تروریستی علیه اسرائیل را هدایت و برای انعکاس ایدئولوژی خود از مبارزه مسلحانه استفاده می‌کرد.

پیروزی در انتخابات پارلمانی فلسطین در ژانویه سال ۲۰۰۶، این سیر تکاملی به‌مثابه یک تشکیلات سیاسی و ادغام آن به‌عنوان بخشی از حکومت خودگردان فلسطین را تقویت کرد. در دست گرفتن نوار غزه توسط حماس در ژوئن سال ۲۰۰۷، آن را به جنبش حاکم در نوار غزه تبدیل کرد و از آن زمان، حماس به‌عنوان یک نهاد

نیمه‌دولتی عمل کرده است.

فرآیند نهادسازی به جهت در نظر گرفتن روابط خارجی و عرصه بین‌المللی و تلاش برای ایجاد مشروعیت و تقویت افکار عمومی خارجی و داخلی و تعهد به برآورده نمودن نیازهای جمعیت تسریع شد. این بیانگر عمل‌گراتر شدن سیاست‌های حماس در مورد اسرائیل، مانند تنظیم یک سند سیاسی در می سال ۲۰۱۷، امتیازات تاکتیکی و شناخت نظم موجود بود. هم‌زمان حماس تلاش می‌کند تا با استفاده از بکار گرفتن درجه‌های مختلف خشونت ارزش‌های مقاومت مسلحانه را نیز حفظ کند.

۱۳۷

دو. آیا حماس به خشونت متوسل خواهد شد؟

از سویی واقعیت‌های سخت و گریزناپذیری، حماس را مجبور به حرکت و توسعه مهارت‌های حکمرانی کرده و از سوی دیگر حراست از ارزش‌های مقاومت را منجر شده است. در نتیجه این سازمان هنوز گزینه‌های غیرسیاسی و نظامی را به‌عنوان ابزاری مشروع و لازم برای ارتقا اهداف سیاسی و نیز برای بهبود وضعیت بشر دوستانه در نوار غزه و حفظ موقعیت خود، به‌عنوان رهبر مبارزه ملی فلسطین می‌بیند. بهره‌گیری‌های حماس از خشونت با هم متفاوت است، دوره‌هایی از محدودیت استفاده از خشونت که به خشونت محدود کننده و شتاب دهنده طبقه‌بندی می‌شوند که آنها نیز به دو دسته داخلی و خارجی تقسیم می‌شوند. تجزیه و تحلیل‌ها نشان می‌دهد متغیرهایی با تاثیر دوگانه در بعضی شرایط در خدمت محدود کردن خشونت هستند و در دیگر شرایط مشوق خشونت‌اند. این مانیفست خاص به انتظارات و افق‌هایی در یک واقعیت مشخص مربوط است.

بهبود وضع بشر دوستانه در غزه

حماس به‌عنوان یک بازیگر نیمه‌دولتی با مسئولیت حکومت و مسئولیت قلمرو، بیشتر نیازهای جمعیت غزه را برآورده می‌کند. این تعهدی مهم برای تلاش و جلوگیری از وقوع بحران انسانی است؛ به‌عبارت دیگر برای دستیابی به یک بهبود اساسی در

زندگی مردم و در نتیجه اجتناب از نارضایتی عمومی مردم از حکومت. حماس می‌داند که برای رسیدن به این هدف باید عمل‌گرایی را با انعطاف ایدئولوژیک در کوتاه‌مدت و میان‌مدت نشان دهد. از این رو حماس خودش را در اعمال خشونت علیه اسرائیل محدود کرده است و مراقب است که باعث تشدید منازعتی نشود که اسرائیل را به مبارزه گسترده نظامی وارد سازد.

در ۳۰ آگوست سال ۲۰۱۸، «یحیی السنوار» رهبر حماس در غزه، طی گفتگویی با روزنامه‌نگاران گفت: «هدف حماس به هر قیمت حمایت از مردمیست که در طرف مقاومت هستند و ما از پا نخواهیم نشست تا مردم بتوانند با کرامت زندگی کنند.» و «حماس علاقه‌مند به درگیری با اسرائیل نیست.»

خط‌مشی سیاسی به‌وسیله السنوار بازتاب مذاکرات حماس در قاهره به واسطه‌گری مصر، با هدف دستیابی به توافق با اسرائیل است. این مذاکرات بیش از چهار ماه‌ونیم درگیری خشونت‌آمیز در کنار حصار نوار غزه و پنج دور از تشدید خشونت‌ها که در طی آن بیش از ۶۰۰ موشک و خمپاره به سمت اسرائیل شلیک شدند انجام گرفت. بر اساس توافق آتش‌بس به‌دنبال درگیری اسرائیل و غزه در سال ۲۰۱۴، لازم است تا حماس فعالیت‌های تروریستی علیه اسرائیل را متوقف کند و در عوض اسرائیل مرز نوار غزه را برای عبور و مرور مردم و کالاها باز خواهد کرد.

حکومت حماس در نوار غزه

پس از آسیب شدید به غزه و ساکنان آن در طول درگیری در جولای/ آگوست سال ۲۰۱۴، ارتش حماس بر بازسازی توانایی‌های نظامی خود تمرکز نموده است. این سیاست از آن جایی می‌آید که هزینه بازسازی برای غیر نظامیان و زیر ساخت‌ها در جهت کاهش بحرانی است که پس از تحریم‌های اقتصادی اعمال شده بر غزه توسط رییس تشکیلات خودگردان فلسطین بدتر نیز شده‌اند. این وضعیت به اعتراضات مردمی در نوار غزه منجر شد که به سرعت توسط سازوکارهای امنیتی حماس سرکوب شدند. این رفتار به سطوح مختلفی از روابط با جامعه که در آن با بازیگران

غیردولتی توافق می‌شود و توسعه توانایی ارائه خدمات نهادهای دولتی به اعضای آن یا طرفداران و افراد تحت کنترل، مانند خدمات امنیتی، قضایی، سلامت، صدور مجوز ثبت زمین و دیگر خدمات رفاهی نیاز دارد.

حکمرانی بر سازمان‌هایی که خواهان نبرد با اسرائیل هستند

از آن جایی که حماس قدرت سیاسی را در نوار غزه با زور در اختیار دارد، مجبور است از توانایی‌های نظامی و امنیتی خود در برابر سازمان‌هایی که در برابر خودش قرار می‌گیرند استفاده کند.

حماس باید اداره کننده وضعی با ثبات باشد؛ بنابراین برای محدود کردن عناصری که در تلاشند تا از خشونت علیه اسرائیل استفاده کنند، می‌کوشد. اگرچه این رفتار برخلاف ایدئولوژی مقاومت مسلحانه‌اش علیه اسرائیل است.

شواهدی از این دست را می‌توان در بیانیه‌های حماس پیدا کرد که بی‌ثباتی را محکوم می‌کند و قانون و نظم را اطمینان می‌دهند. علاوه بر این در سندی که در آپریل ۲۰۱۰ به دفتر رییس سابق سیاسی حماس خالد مشعل فرستاده شده است مقامات حماس در غزه از او خواسته‌اند تا «سلفی‌های جهادی را در غزه ریشه کن کند.» شواهد بیشتری نیز می‌تواند عیان گردد که نشان از اقدامات قهرآمیز و یک رشته درگیری‌ها در سال‌های اخیر علیه اعضای گروه‌های جهادگرای سلفی دارد که حاضر به همکاری با حماس نبودند.

سیاست خارجی حماس و تمایل به کسب مشروعیت منطقه‌ای و بین‌المللی

به‌عنوان بخشی از فرآیند نهادسازی، حماس به سیاست خارجی و ارتباطات سیاسی و دیپلماتیک اهمیت می‌دهد؛ برای مثال، اسامه حمدان رییس مذاکرات خارجی حماس تاکید می‌کند که «حماس می‌خواهد باب تعامل و تعادل در ارتباط در سطح منطقه و جهان... برای تاسیس کانال‌هایی از ارتباطات با کشورهای عرب، اسلامی و کشورهای غربی را بگشاید.»

این تلاش جنبش نیاز به گسترش مشروعیت خود در جهان عرب و مسلمان و در

میان جامعه بین‌المللی به‌عنوان حاکمیت قانونی در غزه را بدون واگذار کردن هویت و موقعیت آن به‌عنوان رهبر مقاومت علیه اسرائیل دارد. دولت حماس روابط خارجی‌اش را بر اساس روابط نزدیک با ترکیه، قطر و دولت‌های اسلامی، همچون مالزی هدایت می‌کند و همین‌طور از روابط خارجی خاصی با روسیه بهره می‌برد. همه اینها علاوه بر ارتباط خاص خود با ایران و کانال ارتباطی با مصر است.

تاثیر مصر بر تصمیمات حماس

در ژوئن سال ۲۰۱۷، حماس جای پیش را در قطر از دست داد. با توجه به فشار اعمال شده توسط کمپین‌های سنی تحت رهبری عربستان سعودی و مصر، دوحه از حماس خواست تا نیروهای نظامی‌اش این کشور را ترک کنند. این بحران رهبران حماس را مجبور کرد تا بیش از پیش برای رسیدن به توافق با مصر انعطاف‌پذیر باشند. توافق صورت گرفته میان قاهره و مصر در ژوئن سال ۲۰۱۷، حاکی از آن است که قاهره قصد دارد تا زمانی که حماس قاچاق گاز به مصر را متوقف کند و از حمایت از عناصر تروریستی علیه ارتش مصر در صحرای سینا اجتناب نماید، برق را به غزه صادر کند.

از آن به بعد مصر به‌عنوان میانجی میان حماس و دولت خودگردان فلسطین و همچنین میان حماس و اسرائیل عمل کرده است. در طول مبارزات در امتداد نوار غزه در می سال ۲۰۱۸، قاهره خواستار فشار شدید بر علیه حماس برای پایان دادن به خشونت و آشوب‌ها شد و در عوض پذیرفت تا از گذرگاه رفح به‌صورت امن عبور کنند. همچنین مصر در مرحله درگیری میان غزه و اسرائیل در سال ۲۰۱۸، میان گروه‌های جهادی اسلامی، حماس و اسرائیل میانجی‌گری نمود.

تلاش‌های حماس برای ادغام در نظام سیاسی فلسطین

حماس یک نگرش دوگانه نسبت به تشکیلات خودگردان فلسطین دارد. به موازات نهادسازی سیاسی ظاهراً عمل‌گرایانه‌اش برای مصالحه. (توافق مصر در ۱۲ اکتبر سال ۲۰۱۷) - که به‌دنبال یک سری از خواسته‌های متضاد از هر دو طرف به

پایان رسید- حماس همچنان به توسعه زیرساخت‌های تروریستی و تحریک کردن علیه دولت خودگردان فلسطین در یهودیه و سامریه ادامه می‌دهد و از هر فرصتی برای ناآرامی و نقض نظم عمومی استفاده می‌کند. (حادثه‌الاقصی در جولای سال ۲۰۱۷، نمونه قابل توجهی است.) برای حماس مهم است که روند آشتی با فتح را با احتیاط احیا کند. از آنجا که این موفقیت می‌تواند منجر به تجدید فعالیت جنبش در یهودیه و سامریه شود و همچون یک پلنفرم برای ادغام در سازمان آزادی‌بخش فلسطین و دولت خودگردان فلسطین بکار رود در نتیجه هدف سیاسی خود را برای کنترل کامل سیستم فلسطینی بیشتر می‌کند. حماس تحکیم تصویرشان به‌مثابه یک جنبش سیاسی و شخصیت مشروع حکمرانی در چشم فلسطینی‌ها و جامعه بین‌المللی را می‌خواهد.

بازدارندگی اسرائیل

از زمان درگیری در سال ۲۰۱۴، حماس مراقب بود که اسرائیل را به‌نحوی که به یک عملیات وسیع نظامی دست بزند تحریک نکند. حماس برای متوقف ساختن فعالیت‌های سازمان‌های تروریستی در نوار غزه برای حمله موشکی به اسرائیل نیز تلاش می‌کند. در مواردی که حماس احساس می‌کند نیاز است تا بازدارندگی خودش را در برابر اسرائیل به رخ بکشد این کار را با شدت نسبتاً کمی انجام می‌دهد. این رفتار به مذاکرات میان رهبران ارشد عضو حماس برمی‌گردد؛ برای مثال در آگوست سال ۲۰۱۷، (السنوار گفت): «حماس به‌دنبال تنش با اسرائیل نیست.» و در دسامبر سال ۲۰۱۷، او اعلام کرد «حماس علاقه‌مند به جنگ با اسرائیل نیست و برای آن عجله و اشتیاقی ندارد. این جنبش خیلی خوب فهمیده است که مسایلی وجود دارد که ممکن است از طریق مقاومت مردمی و یا تلاش‌های دیپلماتیک حل شوند.»

شاهد بر این مدعا می‌تواند مصاحبه لسنوار با الجزیره در ۱۶ می سال ۲۰۱۸، پس از یک روز تظاهرات خشونت‌آمیز در امتداد نوار غزه باشد که او تصریح می‌کند که حماس به‌دنبال آرامش است باشد.

عوامل تشدیدکننده خشونت: مبارزه و رقابت سیاسی در درون حماس

معمولا میان رهبران شاخه نظامی حماس و شاخه سیاسی آن عدم توافق وجود دارد. بعد از پایان درگیری‌های سال ۲۰۱۴ با اسرائیل اختلافات میان دو جناح با تمرکز بر اینکه کدام راه حل ارجح تر است تشدید شد. شاخه سیاسی روابط نزدیک تر با محور سنی (با تاکید روی ترکیه و قطر) و تلاش برای بهبود بخشیدن روابط با عربستان سعودی را ترجیح می‌داد. در حالی که شاخه نظامی برای تجدید اتحاد با ایران و ترویج همکاری با سازمان ولایه سینا تلاش می‌کرد. حتی در درون شاخه نظامی، همه از تنش بین السنوار و محمدضیف در مورد اینکه چه کسی رهبر است به خوبی مطلعند. این تنش‌ها تا حدودی، بعد از انتخاب السنوار برای رهبری جنبش در نوار غزه در ۱۳ فوریه سال ۲۰۱۷، کاهش یافت. این اولین بار بود که یک نفر از شاخه نظامی حماس به عنوان رهبر سیاسی در غزه انتخاب می‌شد. از زمان انتخاب السنوار و در برابر پیشینه صلح و وضعیت سخت در غزه، تنش میان السنوار و رهبران ارشد شاخه نظامی احیا شده است؛ اگرچه السنوار صحبت از حفظ روابط با ایران می‌کند؛ اما یک نوع سیاست پشتیبان باشد اگر رابطه با مصر و عربستان سعودی رو به وخامت برود. رفتار او نشان می‌دهد که اولویت روشن برای او روابط با مصر است.

سازمان‌های مقاومت افراطی در نوار غزه که رویکرد نسبتا انعطاف‌پذیر حماس را رد می‌کنند به طور مداوم در تلاشند تا سازمان را در چالشی برای تحریک خشونت‌آمیز علیه اسرائیل قرار دهند و امیدوارند که باعث تشدید وضعی شوند که به حماس آسیب برساند و موقعیت و تصویر آن به عنوان یک جنبش آزادی‌بخش و مقاومت ملی را مخدوش نمایند. بنابراین در آوریل سال ۲۰۱۰، عضو ارشد جهاد اسلامی، عبدالله شامی به رهبران حماس حمله کرد «در تلویزیون مقاومت را ستایش می‌کنند؛ اما در حقیقت به مقاومت جفا می‌کنند و به آن خسارت فراوان می‌رسانند. آنها به هیچ چیزی جز مقام و موقعیتشان اهمیت نمی‌دهند.» فشار اعمال شده به حماس تنش را میان حماس و این سازمان‌ها تشدید کرد. در حالی که حماس در بعضی موارد به سمت موقعیت‌های افراطی می‌رود و در تلاش برای پاسخ به چالش‌ها و به حداقل رساندن آسیب‌ها است.

شکست در روند آشتی فلسطین

زمانی که روند آشتی میان حماس و دولت خودگردان می‌توانست به روند نهادسازی سرعت ببخشد، این روند شکست خورد و تاثیری برعکس گذاشت و باعث افزایش استفاده از خشونت گردید. در حال حاضر شکست در مذاکرات صلح تحت تاثیر موقعیت حماس در نوار غزه قرار گرفته است. پس از آنکه رییس دولت خودگردان فلسطین مصمم شد، تلاش خود را برای توافق بین حماس و اسرائیل که به میانجی‌گری مصر برقرار شده بود نابود کند.

۱۴۳

او تحریم‌های اقتصادی را در نوار غزه اعمال کرد و به هزاران کارمند که دستمزدشان توسط حماس پرداخت می‌شد آسیب رساند این تحریم‌ها حکومت حماس را تضعیف کرد. به منظور جلوگیری از مشکلات داخلی در نوار غزه، حماس تلاش کرد خشم خود را نسبت به اسرائیل هدایت کند. در واقع از ۳۰ مارس سال ۲۰۱۸، حماس راهپیمایی‌ها را در نقاط مختلف در امتداد حصار مرزی با هزاران نفر از ساکنان برای یک سری تظاهرات خشونت‌آمیز ترکیب شده با حملات تروریستی سازمان‌دهی و عملیاتی کرده است.

در حالی که جناح سیاسی یک رویکرد نسبتاً واقع‌بینانه و تحمل‌پذیر نسبت به اسرائیل را اتخاذ کرده- اگرچه این امر تاکتیکی است و نه تغییر استراتژیک- و ترجیح می‌دهد تا بر بازسازی نوار غزه و تثبیت کنترل آن تمرکز کند، جناح نظامی تلاش خود را برای افزایش قدرت نظامی و جنگ علیه اسرائیل ادامه می‌دهد. شواهد بیشتری از عدم هماهنگی بین جناح‌های سیاسی و نظامی را می‌توان در تلاش‌هایی که در مورد بازگرداندن شهروندان اسرائیلی و جسد‌های سربازانی که در دست حماس هستند، مشاهده کرد. این تلاش‌ها توسط جناح نظامی مسدود شده بود.

نفوذ قدرت‌های خارجی بر حماس: ترکیه و ایران

ایران از زمانی که کنترل جنبش نوار غزه را در سال ۲۰۰۷، در دست گرفت، به حماس کمک کرد. استراتژی ایران که شامل سیاست ضد اسرائیل است،

با ایدئولوژی مقاومت خشونت‌آمیز حماس متناسب است. علی‌رغم تفاوت‌های نژادی (ایرانی و عرب) و مذهبی (شیعه و سنی)، تهران جنبش مقاومت علیه اسرائیل را به‌عنوان یک ابزار مشروع برای ترویج منافع خود برای آسیب رساندن به اسرائیل با تضعیف ثبات منطقه‌ای، صدور انقلاب و نفوذ ضدغربی منطقه‌ای در نظر می‌گیرد.

روابط نزدیک میان حماس و ایران، پس از آغاز جنگ داخلی سوریه در سال ۲۰۱۱، و انزوای سیاسی حماس و افزایش هیات‌های حماس که از تهران بازدید می‌کنند، اظهارات عمومی مقامات ارشد حماس درباره اهمیت کمک‌های نظامی ایران و پشتیبانی ایران در غالب اسلحه‌ها، بودجه و آموزش منعکس می‌شود.

نفوذ ترکیه تنش بین حماس و تشکیلات خودگردان فلسطین را تشدید می‌کند. این امر به‌ویژه در بیت‌المقدس شرقی و در اجازه ترکیه به توسعه زیرساخت‌های نظامی در یهودیه و سامریه، با هدایت جناح نظامی در ترکیه و تشویق بر خورد افراطی‌تر نسبت به اسرائیل، آشکار است. در حقیقت، ترکیه به‌دلیل جاه‌طلبی خود برای هژمونی منطقه‌ای و ادراک خود به‌عنوان رهبر سیاسی محور اسلام در منطقه به‌طور غیرمستقیم حماس را به کاهش روند نهادینه‌سازی سیاسی و اجرای سیاست مقاومت خشونت‌آمیز تشویق می‌کند.

وضعیت انسانی در غزه

در سال‌های اخیر وضعیت انسانی در غزه در نتیجه کیفیت پایین آب، کمبود حاد برق، بدتر شدن سیستم سلامتی، فقدان امکانات فاضلاب مناسب و بیکاری و فقر گسترده بدتر شد. در نتیجه حماس هدف انتقاد شدید از طرف مردم فلسطین قرار گرفت.

عدم وجود توافق واقعی برای بهبود در بحران انسانی و عدم توانایی حماس برای فراهم کردن یک کیفیت زندگی بهتر برای مردم غزه باعث ناامیدی شدید می‌شود که این امر می‌تواند حماس را به استفاده از خشونت برای فشار آوردن به اسرائیل، مصر و صحنه بین‌المللی برای انجام اقداماتی برای بهبود وضعیت

انسانی سوق دهد این ارزیابی نیز توسط شخصیت‌هایی در اسرائیل و دیگران تایید می‌شود.

چارچوب متغیرها

به‌منظور اعتبار دادن به این تجزیه و تحلیل با بررسی دقیق متقابل متغیرها و محاسبه اثر آنان، دو گروه متغیر به دو دسته داخلی و خارجی تقسیم شدند. آنان نیز به سه طبقه، نسبت به سطح شدت، طبقه‌بندی شده‌اند: زیاد، متوسط و کم. ارزیابی شدت نه از یک مدل ریاضی کمی، بلکه از شرح و تحلیل کیفی رفتار جنبش در غزه در طی سال‌های اخیر به‌دست می‌آید.

۱۴۵

یافته‌های این تجزیه و تحلیل وجود چهار متغیر با شدت زیاد که خشونت را محدود می‌کند و سه متغیر با شدت زیاد که خشونت را تشویق می‌کند، نشان می‌دهد. همچنین می‌توان دو متغیر با شدت متوسط طرفداری از خشونت، در مقایسه با دو متغیر، با شدت متوسط برای محدود کردن خشونت و همچنین یک متغیر با شدت کم برای تشویق خشونت و یک متغیر با شدت کم برای محدود کردن خشونت را شناسایی کرد. بردارهای مخالف، با تاکید بر متغیرها با شدت زیاد به توضیح ماهیت دوگانه رفتار حماس در تنش بین تلاش برای اثبات خود به‌عنوان یک بازیگر حاکم حکومت و حفظ روحیه مبارزه مسلحانه و استفاده از خشونت در شرایطی که این چالش حاد است، کمک می‌کند.

رفتار دوگانه حماس به این گروه اجازه داد که وضعیت خود را به‌عنوان عنصر حاکم در نوار غزه، به‌عنوان جایگزین مناسب برای تشکیلات خودگردان فلسطین و سازمان آزادی‌بخش فلسطین در رهبری مبارزه فلسطینی حفظ کند؛ برای تاسیس مشروعیت قانون خود در خیابان‌های فلسطین، در جهان عرب و جامعه بین‌المللی و برای تقویت ارتباط خود با مصر که می‌تواند حماس را برای از بین بردن سختی‌های انسانی کمک کند این درحالی است که اصول مقاومت خشونت‌آمیز نسبت به اسرائیل حفظ شود.

متغیرهای بین‌المللی		متغیرهای خارجی
متغیرهایی که خشونت را محدود می‌کنند	۱. اعمال حاکمیت ۲. سیاست خارجی و مشروعیت بین‌المللی ۳. حفظ کنترل حاکمیت بر نوار غزه	۱. بازدارندگی اسرائیل ۲. نفوذ مصر ۳. بهبود وضعیت انسانی در غزه، نگاه مثبت* ۴. فرایند آشتی فلسطین و یکپارچگی سیاسی
متغیرهایی که خشونت را تشویق می‌کنند	۱. شدت ایدئولوژی ۲. مبارزه سیاسی درون حماس	۱. رقابت سیاسی میان سازمان‌ها در نوار غزه ۲. رکود چشم‌انداز وضعیت نابسامان انسانی - نگاه منفی* ۳. نفوذ ایران ۴. شکست در روند آشتی ملی در فلسطین ۵. نفوذ ترکیه

شدت زیاد، شدت متوسط، شدت کم

* متغیر دوگانه، وابسته به اثر افق و انتظارات

حماس باید بین فرایند ثابت کردن موقعیت خود و ادامه استفاده از خشونت، مانور دهد. این تاکتیک با تلاش‌های کنترل شده برای نشان دادن محدودیت نسبی برای جلوگیری از تشدید وضعیت که حماس به‌عنوان یک خطر برای منافع اساسی خود می‌بیند، پیوند دارد.

متغیرهای طرفدار خشونت و ضد خشونت و شدت نسبی آنها، نیروهای مخالف را در حماس بکار می‌برد. تغییر در سیاست اسرائیل و سیاست مصر در مورد یک توافق امنیتی با حماس به‌عنوان عنصر حاکم در نوار غزه به‌دنبال توافق غیر نظامی برای بهبود وضعیت انسانی و اقتصادی در غزه، می‌تواند متغیرهایی را که خشونت را محدود می‌کند و روند ثبات حماس را به‌عنوان دولت در غزه تسریع می‌کند، در نتیجه منجر به کاهش خشونت می‌شود.

نتیجه‌گیری

حماس به‌عنوان یک جنبش اجتماعی و مذهبی تاسیس شده است که از یک سازمان تروریستی و غیردولتی خشونت‌آمیز، محدود در توانایی‌های خود و عدم مسئولیت دولتی به یک بازیگر نیمه‌دولتی در کنترل نوار غزه و جمعیت آن، با مسئولیت‌های سیاسی و ملی، مانند یک بازیگر ملی تکامل یافته است. در این چارچوب حماس در تلاش است تا بین تحقق هویت خود به‌عنوان حرکت مقاومت ایدئولوژیک و اثبات خود به‌عنوان یک نهاد حاکم مسئول با استفاده از خشونت با درجات مختلف مانور دهد. این رفتار، استدلال را در ادبیات تحقیقاتی در مورد استفاده مداوم از خشونت توسط بازیگران غیردولتی طی روند نهادسازی تایید می‌کند. ضمن این که باید تاکید کنیم که رفتار نسبتاً کنترل شده حماس بازیگران خارجی را مهار می‌کند؛ مثلاً نفوذ ایران و ترکیه را ضعیف، خشونت را کنترل و در غزه را بهبود می‌بخشد.